



فاطمه فقیهی

# پروژه یادگیری و رشد همه جانبه کودکان در تایلند

George A. Attig, Nicolas Pron,  
Suvannee Promchan, and Nipa  
Rojroongwasinkul

علوم هستند. با این وجود کسب اطمینان از توانایی آنها در استفاده مؤثر از این تکنولوژی برای بهبود یادگیری کودکان نیازمند اقدامی فوری است.

## نوآوری

گستره کار پروژه یادگیری همه جانبه و پیشرفت کودکان فراتر از آموزش رفته است و در حقیقت این پروژه پاسخی جامع به موضوعاتی است که در معاهده حقوق کودک، که تایلند از امضا کنندگان آن است، مطرح شده اند. این پروژه، در حین تکامل خود، بر برترین منافع کودکان در محیط های در حال تغییر فردی، خانوادگی، مدرسه ای و اجتماعی، که آنها نیز تحت تأثیر شرایط در حال تغییر ملی و جهانی هستند، تمرکز نموده است.

اگرچه تمرکز اولیه پروژه بر رشد کودک بود، ولی به تدریج به سوی گنجاندن مؤلفه های بقاء، یعنی ارزیابی و تأمین بهداشت و تغذیه کودکان روی آورده است. با علم به این واقعیت که حتی موفق ترین کودکان ممکن است به موقعیت های ضد تکاملی کشانده شوند، پروژه در حال حاضر، از طریق کمک به جوامع و مدارس در شناخت شاخص های مؤثر و اقدامات مناسب، در حال ایجاد یک بخش حمایتی است.

پروژه یادگیری همه جانبه و پیشرفت کودکان اکنون قریب ۳۰۰۰ دانش آموز ابتدایی در ۲۵ مدرسه و ۳۸ جامعه کوچک رادریکی از استان های شمال شرقی تایلند تحت پوشش دارد. این پروژه در حال تجهیز مدارس روستایی و جوامع و معلمان آنها به تکنولوژی اطلاعاتی

از مهارت ها، انگیزه ها و ظرفیت های لازم برای تربیت پذیری بیشتر برخوردار باشند، در غیر این صورت از بازار کار اخراج و احتمالاً به مشاغل ناخوشایند اجتماعی، که می تواند آنها را در زمره افراد نیازمند به اقدامات حفاظتی قرار دهد، رانده می شوند. مطالعات نشان می دهند که عملکرد ضعیف کودکان تایلند در مهارت های زبان و ریاضیات همبستگی زیادی با وضعیت خانوادگی و شرایط اجتماعی آنها دارد. کودکان روستایی انگیزه کمتری برای یادگیری دارند، زیرا خانواده های جوامع فقیر در حمایت از تحصیل کودکان بسیار ناتوانند و به طور کلی از آنها انتظار دارند بجای رفتن به مدرسه و تمرکز بر مطالعه و امرار معاش خانواده و کمک به آنان بپردازند. نظام آموزشی تایلند نیز پویایی لازم را، به ویژه در مناطق روستایی، ندارند.

معلمان اگرچه در تدریس برنامه درسی مورد نظر به خوبی آموزش دیده اند، اما از مهارت و انگیزه کافی برای درک این که شرایط فردی، خانوادگی و اجتماعی چه تأثیری بر فرایند یادگیری دارند، عوامل ایجاد مسأله در یادگیری کدامند و چگونه می توان آنها را اصلاح کرد، و اساساً این که چه عوامل مثبتی می توانند در طول زمان ایجاد یا حتی اصلاح شود، برخوردار نیستند.

امروز سیاست دولت پادشاهی تایلند این است که مدارس باید در فعالیت های توسعه ای جوامع مشارکت کنند زیرا شرایط خانواده و جامعه به طور معنی داری بر یادگیری کودکان تأثیری می گذارد. لذا هر مدرسه آزاد است تا ۴۰ درصد از برنامه درسی را خود تنظیم کند و همه مدارس کوچک و روستایی در حال مجهز شدن به کامپیوتر و آزمایشگاه

## نظام هشدار دهنده به کودکان کمک می کند

یادگیری های همه جانبه (درهم تنیده) کودکان و پیشرفت (CHILD)، پروژه ای کلی نگر و زمینه ای محوری برای حفاظت از حقوق کودکان است. این پروژه با یک طرح ساده و یک کامپیوتر اهدایی، در حال شناسایی فعالیت ها و انجام اقدامات جامعه محور و مناسب در جهت اصلاح افت یادگیری و شرایط به وجود آورنده آن در میان روستاییان فقیر شمال شرقی تایلند است. پروژه CHILD که در نوامبر ۱۹۹۶ با حمایت یونیسف به اجرا گذاشته شد، در حال ایجاد یک نظام هشدار دهنده و جامعه محور برای یادگیری کودکان و توسعه جامعه است که شاخص های استعداد های آموزشی کودکان را با شاخص های فردی، خانوادگی و اجتماعی مؤثر در فرایند یادگیری تلفیق کرده است. کودکانی که در یادگیری مشکل دارند - و احتمالاً حتی کودکان تیزهوش - شناسایی می شوند و به آنها کمک می شود که از طریق مداخله های هماهنگ خانواده، جامعه و مدرسه، به حداکثر ظرفیت یادگیری خود دست یابند.

## زمینه

امروزه در تایلند قریب ۹۷ درصد از پسران و دختران در سن هفت سالگی وارد مدرسه می شوند. تایلند همچنین به همگانی کردن سواد دست یافته و نرخ سواد در میان زنان و مردان بالاتر از ۹۰ درصد است. ولی این پیشرفت های کمی، بر آینده مبهم اغلب کودکان روستایی تایلندی و جوامعی که آنها در آن زندگی می کنند سرپوش گذاشته است. به تدریج که توسعه صنعتی، خدماتی و تولیدی تایلند ادامه می یابد، نیروی کار ماهرتری مورد نیاز است.

این در حالی است که پیش بینی می شود تا سال ۲۰۱۰ دو سوم تا سه چهارم نیروی کار تایلند تنها از سواد دوره ابتدایی بهره مند خواهند بود. این نسل جوان برای دستیابی به مشاغل پردرآمدتر و حمایت از خانواده های خود باید

محلی و خود کودکان است. براساس عوامل مؤثر و مشخص شده سه رویکرد مختلف ممکن است اتخاذ گردد: برنامه‌های توسعه خانواده و جامعه محلی، برنامه‌های مدرسه محور، یا تلفیقی از هر دو. برنامه‌های توسعه خانواده و جامعه محلی مداخله‌ای است که برای اصلاح شرایط خانه یا محیط اجتماعی دانش آموز صورت می‌گیرد، به نحوی که بتواند به برنامه آموزشی مدرسه بهتر پاسخ دهد. برقراری یک کمیته مراقبت‌های روزانه که تأمین نیازها و آگاهی‌های لازم برای حفاظت از کودکان را برعهده دارد از جمله فعالیت‌هایی است که به عهده مدرسه و جامعه می‌باشد. اگر در تحلیل عملکرد دانش آموزان، هیچ عامل خانوادگی یا اجتماعی به عنوان عامل مؤثر در افت یادگیری شناخته نشد، برنامه آموزشی مدرسه مورد بررسی قرار می‌گیرد تا مواردی که در سطح مدرسه یا منطقه نیاز به اصلاح دارند مشخص شوند. هر چند که در اغلب موارد، برنامه‌های تلفیقی مدرسه‌ای و غیر مدرسه‌ای (خانوادگی و اجتماعی) در اصلاح عملکرد دانش آموزان و کاهش افت یادگیری بهترین نتیجه را در بر داشته‌اند. این بدان معناست که مدارس و جوامع باید فعالیت‌های مشترکی را که مکمل یکدیگر و نسبت به نیازهای یادگیری حساس و پاسخگو هستند، طراحی نمایند. محور مشترک همه این برنامه‌های عملیاتی کمک به کودکان و خانواده‌های آنان است به طوری که آنها خود دریابند که چگونه پیشرفت مدرسه و تأمین سلامت کودکان با بهبود زندگی آنان ارتباط دارد. این موضوع بخشی تفکیک ناپذیر از فرایند ارتباطی پروژه است که با استفاده از پوستر، کتاب فکاهی و یا آوازهای محلی، کودکان، بزرگسالان و همه گروه‌های سنی را مورد خطاب قرار می‌دهد. روی هم رفته این ابزارها آگاهی عمومی را در مورد حقوق و نیازهای کودکان و نقشی که در آموزش و

یادگیری ضعیف داشته‌اند و به عنوان عوامل اولیه برای تحلیل دلایل یادگیری ضعیف و اقدامات اصلاحی در آینده در نظر گرفته شدند. کودکانی که افت یادگیری گاه به گاه دارند مخاطبان اصلی در اعمال مداخله‌های اصلاحی هستند و کودکان دارای افت یادگیری موقت، تحت نظارت دقیق قرار می‌گیرند. معلمان یا مشاوران به اطلاعات مربوط به زمینه خانوادگی کودکان دارای افت گاه به گاه یا طولانی مراجعه می‌کنند تا عوامل عمده مؤثر در یادگیری آنان را باز شناسند. این معلمان برای هر یک از دانش‌آموزان یک گزارش کوتاه تهیه و اقداماتی را که به نظر می‌رسد باید برای کمک به کودک صورت پذیرد ارائه می‌دهند. مرحله چهارم، شناسایی، اجرا و ارزشیابی عملی از خانواده‌ها، جوامع، سازمان‌های



### شوراهای دانش آموزی در توسعه مدارس بسیار فعال بوده‌اند و معلمان احساس می‌کنند که آنها باید در کمک به جوامع خود نیز مشارکت داشته باشند. آنچه اکنون مطرح است این است که شوراهای دانش آموزی و معلمان باید بیشتر در پروژه مشارکت نمایند و پروژه را بخشی از آموزش کودکان قلمداد کنند



ومهارت‌های لازم برای ایجاد نیمرخ‌های یادگیری کودکان است.

برای مدرسی که به کامپیوتر مجهز شده‌اند، این نیمرخ عبارت است از صفحات گسترده کامپیوتری، شامل نمرات تحصیلی کودکان و شاخص‌های مهم اجتماعی (مانند متغیرهای جمعیت، بهداشت، تغذیه در سطوح فردی و اجتماعی) که ممکن است بر یادگیری کودکان تأثیر داشته باشد. برای مدارس فاقد کامپیوتر، یک مدل غیر کامپیوتری طراحی شده که در آن نمرات دانش آموزان می‌تواند با در نظر گرفتن متغیرهای فوق و با استفاده از ماشین حساب، محاسبه شود. با استفاده از نیمرخ یادگیری کودکان، معلمان و جوامع می‌توانند بر چگونگی یادگیری کودکان در طول زمان، و این که آیا شرایط خانوادگی و اجتماعی بر یادگیری تأثیر منفی می‌گذارد، نظارت نمایند. به این ترتیب آنها می‌توانند تصمیمات مناسبی در مورد این که چه برنامه‌های عملیاتی جامعه محور، مدرسه محور یا خانواده محوری می‌توانند به اجرا گذاشته شود تا یادگیری کودک و توسعه جامعه به گونه‌ای کلی و هماهنگ اصلاح گردد، اتخاذ نمایند. فرایند پروژه، چهار مرحله اصلی را پیش بینی نموده است. در مرحله اول معلمان نمرات دانش آموزان را در پایان هر ترم وارد کامپیوتر می‌کنند. با استفاده از کارنامه‌های موجود در مدارس، نمرات دانش آموزان در پنج سال آخر نیز در نرم‌افزار صفحه گسترده وارد می‌شود. این برنامه منحنی مربوط به هر ترم را رسم و نمرات عددی دانش آموزان را به نظام الف-ب-ج-د تبدیل می‌کند. در مرحله دوم معلمان و دانش‌آموزان اطلاعات خانوادگی مربوط به هر کودک را در ابتدای هر سال تحصیلی جمع‌آوری و وارد کامپیوتر می‌کنند. پرسشنامه دو صفحه‌ای زمینه خانوادگی که در حال حاضر مورد استفاده قرار می‌گیرد مشتمل بر شانزده شاخص است که مدارس آن را بر اساس شرایط محلی تدوین نموده‌اند. در مرحله سوم معلمان یا مشاوران با استفاده از اطلاعات جمع‌آوری شده در دو مرحله پیشین، یک ارزشیابی از عملکرد / پیشرفت را به اجرا می‌گذارند تا کودکانی را که در یادگیری مشکلاتی دارند و همچنین دلایل احتمالی آن را شناسایی نمایند. در این ارزشیابی، آنها نیمرخ یادگیری را بررسی و کودکانی را که افت یادگیری موقت، طولانی و یا گاه به گاه داشته‌اند شناسایی می‌کنند. این کار از طریق شمارش ترم‌هایی که دانش‌آموزان معدل «د» کسب نموده‌اند صورت می‌گیرد. اگر دانش آموز در بیش از نصف ترم‌های تحصیلی خود معدل «د» دریافت کرده، افت طولانی، اگر در یک چهارم تا نصف ترم‌های تحصیلی معدل «د» کسب کرده، افت گاه به گاه، و اگر در کمتر از یک چهارم از ترم‌های تحصیلی معدل «د» کسب نموده، افت موقت داشته است. در یکی از مدارس تحت پوشش پروژه، تقریباً یک چهارم دانش‌آموزان افت تحصیلی طولانی یا گاه به گاه داشتند و به نظر می‌رسید شش عامل عبارت بودند از: سطح تحصیلات والدین، شغل والدین، مالکیت زمین، درآمد متوسط ماهانه، مهاجرت والدین (به ویژه پدر) و غیبت از کلاس. این شش عامل بیشترین ارتباط را با





رشد کودکان در حال و آینده ایفا می کند، افزایش می دهند. آنها فعالیت های بین فردی معلمان، رهبران جامعه و کارکنان منطقه ای و استانی آموزش و پرورش را نیز تقویت می کنند. همچنین مفهوم حقوق کودک و حمایت از کودکان را در اذهان اعضای جامعه و معلمان تثبیت می نمایند.

### اثرات

پروژه یادگیری همه جانبه و پیشرفت کودکان توجه بخش های مختلف را به خود جلب کرده و دامنه فعالیت آن گسترده شده است. این پروژه در نوامبر ۱۹۹۶ در دو مدرسه در یک منطقه آموزشی با قریب ۳۰۰ دانش آموز به اجرا گذاشته شد. در مه ۱۹۹۷ پروژه گسترش یافت و هشت مدرسه با ۸۰۰ دانش آموز را تحت پوشش گرفت. در ژوئیه ۱۹۹۷، پروژه یک بار دیگر توسعه یافت و ۱۷ مدرسه دیگر در دو منطقه آموزشی را تحت پوشش گرفت. به این ترتیب تعداد دانش آموزان تحت پوشش پروژه به ۳۰۰۰ نفر رسید. بنابراین پروژه از تمرکز منطقه به یک پروژه چند منطقه ای تبدیل شد. پروژه یادگیری همه جانبه و پیشرفت کودکان، اکنون در مرحله دیگری از گسترش قرار گرفته است. با حمایت یونسف، معلمان همه مناطق آموزشی استان، با استفاده از فرایند این پروژه و چهار چوب مفهومی یادگیری مشارکتی به عنوان چهار چوب رهنمودی، در دوره آموزشی اقدام پژوهی مشارکتی شرکت می نمایند.

### درس های آموخته شده

اجرای پروژه یادگیری همه جانبه و پیشرفت کودکان، درسی در «رشد طبیعی» به جای «انتقال مصنوعی» بوده است. در گذشته پروژه های توسعه ای مشابهی با پودمان های گسترده و از پیش تعیین شده به اجرا گذاشته شدند که به دلیل عدم تناسب با شرایط و محدودیت های محلی، به ویژه در جوامع فقیر و روستایی کشاورزان با شکست مواجه شدند. پروژه یادگیری همه جانبه و پیشرفت کودکان از رویکرد گام به گام استفاده کرده است که در اولین گام نیازهای معلمان (شخصی و حرفه ای) شناسایی و با نیازهای کودکان و اعضای جامعه هماهنگ گردید. زمان زیادی صرف آموزش معلمان شد و جوامع تشویق شدند آنچه را که لازم است انجام گیرد تا محیط روستاها اصلاح گردد، شناسایی

## اگر در تحلیل عملکرد دانش آموزان، هیچ عامل خانوادگی یا اجتماعی به عنوان عامل مؤثر در افت یادگیری شناخته نشد، برنامه آموزشی مدرسه مورد بررسی قرار می گیرد تا مواردی که در سطح مدرسه یا منطقه نیاز به اصلاح دارند مشخص شوند

این رویکرد مشارکتی آینده خوبی را نوید می دهد زیرا پروژه های توسعه قبلی در شمال شرقی تایلند نشان داده اند که هر وقت نظرات و ابتکارهای دانش آموزان، خانواده ها و جامعه مد نظر قرار گرفته اند، موفقیت پروژه نیز بیشتر بوده است. شوراهای دانش آموزی می توانند فعالانه و به طور مؤثر در اقدامات اصلاحی دیگر مشارکت نمایند.

بعد از برداشتن دو گام به جلو، یک گام به عقب برداشته می شود تا مدارس جدیدی تحت پوشش پروژه قرار گیرند. یک مدرسه به عنوان مدل همیشه یک گام جلوتر از بقیه حرکت می کند تا فرایند کار را به مدارس دیگر نشان دهد. این پروژه همچنین از رویکرد آموزش آموزشگران استفاده کرده است. در این رویکرد معلمان یک مدرسه به معلمان مدارس دیگر آموزش می دهند، رویکردی که قبلاً هرگز استفاده نشده بود. نیمرخ های یادگیری از گستردگی زیادی برخوردار بودند و موضوعاتی از بهداشت، تغذیه و آموزش گرفته تا گنجاندن شاخص های حفاظتی و آنچه که به آمادگی و سلامت عاطفی مدرسه مربوط می شوند را در بر می گرفتند.

پروژه بسیار خوشبخت است که معلمان و مدیران آزادانه درباره نقاط ضعف و قوت نظام آموزشی فعلی اظهار نظر می کنند. آنها احساس کرده اند که برای اجرای بهتر پروژه بهترین رویکرد آن است که:

- ۱- با فعالیت های جاری مدرسه ادغام شود تا بتواند خود را تثبیت نماید.
- ۲- فشار زیادی بر معلمان، که هم اکنون با

فشارهای کاری، آموزشی و اداری مواجهند، وارد نیابند.

۳- دانش آموزان را تا حد امکان در یادگیری مشارکت دهد به طوری که آنها بتوانند بیاموزند، در توسعه اجتماعی فعال تر شوند و ظرفیت یادگیری و رهبری خود را تا بالاترین درجه تقویت نمایند.

اکنون، مدیران و معلمان با الهام گرفتن از رویکرد کودک به کودک، درصدد بررسی امکان استفاده از رویکرد «توسعه کودک به کودک به جامعه» هستند. هر ۸ تا ۱۰ مدرسه به هم پیوسته و یک خوشه را تشکیل داده اند. هر مدرسه یک شورای دانش آموزی تشکیل داده است که کودکان پایه های بالای ابتدایی و متوسطه در آن عضویت دارند. این شوراهای دانش آموزی نیز با یکدیگر جمع شده و شورای دانش آموزی خوشه ای را تشکیل می دهند. شوراهای دانش آموزی در توسعه مدارس بسیار فعال بوده اند و معلمان احساس می کنند که آنها باید در کمک به جوامع خود نیز مشارکت داشته باشند. آنچه اکنون مطرح است این است که شوراهای دانش آموزی و معلمان باید بیشتر در پروژه مشارکت نمایند و پروژه را بخشی از آموزش کودکان قلمداد کنند. اعضای شورای دانش آموزی و معلمان در جمع آوری کامپیوتری کردن، و تحلیل نیمرخ های یادگیری کودکان (نیمرخ های آموزشی و اجتماعی) درگیر خواهند بود. آنها فعالیت های مدرسه ای، منطقه ای و اجتماعی را که لازم است انجام شود تا کودکان بهتر بیاموزند و وضعیت منطقه و جامعه نیز اصلاح گردد، شناسایی می کنند. علاوه بر این آنها نظرات خود را به مدرسه، رهبران جامعه و شورای منطقه ارایه می دهند تا برای ادغام احتمالی در برنامه ریزی توسعه مد نظر قرار گیرد.

این رویکرد مشارکتی آینده خوبی را نوید می دهد زیرا پروژه های توسعه قبلی در شمال شرقی تایلند نشان داده اند که هر وقت نظرات و ابتکارهای دانش آموزان، خانواده ها و جامعه مد نظر قرار گرفته اند، موفقیت پروژه نیز بیشتر بوده است. شوراهای دانش آموزی می توانند فعالانه و به طور مؤثر در اقدامات اصلاحی دیگر مشارکت نمایند.

### نتیجه گیری

هدف پروژه یادگیری و رشد همه جانبه کودکان، فعال کردن مدارس، جوامع، معلمان و دانش آموزان برای ارزشیابی، تحلیل و اصلاح مسایل خودشان است. نظام اطلاعاتی محلی که این پروژه ایجاد کرده است هرگز پیش از این در مدارس روستایی (و بسیاری از مدارس شهری) ایجاد نشده بود، زیرا تاکید اصلی همیشه این بود که دانش آموزان در امتحانات چه عملکردی داشته اند، نه آن که چه عواملی موجب این نتایج امتحانی شده است. اکنون این نظام راه اندازی شده است و می تواند نه تنها عملکرد تحصیلی دانش آموزان، بلکه تحقق طیف وسیعی از حقوق کودکان را ردیابی و پیگیری کند. اگر این پروژه تا موفقیت کامل ادامه یابد، الگوی عالی برای تعمیم در سطح کشور خواهد شد.